

The role of social development, banking concentration and competitiveness on banking stability in middle and low income countries

Mohammed Kamal Mazher Al-yaser

PhD Student in Economics, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

Hossein Sharifi Renani *

Assistant Professor of Economics, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

Qasan Tareq Zaher Al-Mamuri

Assistant Professor of Economics, Al-Muthanna University, Al-Samawah, Iraq

Mostafa Rajabi

Assistant Professor of Economics, Khomeini Shahr Branch, Islamic Azad University, Khomeini Shahr, Iran

Abstract: Social development changes the basis of material life and the social structure of the society, increases the formal education levels of people and provides the possibility of wider access to information through the use of mass media and in this way can affect the stability of the banking sector. . Also, banking competition and measuring the level of concentration, especially in academic and research studies, considering the tremendous development and wide openness of banking, is of great importance and can play a role in the stability of the banking sector. Therefore, this study was conducted with the aim of investigating the role of social development, concentration and banking competitiveness on banking stability. In order to analyze the data, the macroeconomic information of 60 selected middle and low income developing countries in a 13-year period from 2010 to 2022 has been used using the panel data method. The results showed that social development has led to the strengthening of banking stability in the studied countries. It was also observed that banking competitiveness had positive and significant effects on the stability of the banking sector. Finally, it was observed that the banking concentration has also led to the improvement of the stability of the banking sector in the investigated countries during the time period of the research. Based on this, it is concluded that in examining the factors affecting the stability of the banking sector, the three factors of social development, banking competitiveness and banking concentration should not be ignored in order to provide a more comprehensive analysis of the factors affecting the stability of the banking sector.

Keywords: Social Development, Bank Concentration, Bank Competitiveness, Bank Stability.

¹ Email: h.sharifi@khuif.ac.ir (Corresponding Author)

نقش توسعه اجتماعی، تمرکز و رقابت پذیری بانکی بر ثبات بانکی در کشورهای منتخب در حال توسعه با درآمد متوسط و کم

محمد کمال مزهر ال یاسر^۱، حسین شریفی رنانی^{۲*}، غسان طارق ظاهر المعموری^۳، مصطفی رجبی^۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۳/۱۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۵/۰۶

چکیده

توسعه اجتماعی اساس زندگی مادی و ساختار اجتماعی جامعه را دگرگون میکند، سطوح آموزش رسمی افراد را افزایش داده و امکان دسترسی گسترده تر به اطلاعات از طریق استفاده از رسانه های گروهی را فراهم کرده و از این طریق می تواند بر ثبات بخش بانکی اثر داشته باشد. همچنین رقابت بانکی و سنجش میزان تمرکز، به ویژه در مطالعات دانشگاهی و پژوهشی، با توجه به توسعه شگرف و باز بودن گسترده بانکداری، از اهمیت بالایی برخوردار است و می تواند در ثبات بخش بانکی نقش آفرین باشد. بنابراین این مطالعه با هدف بررسی نقش توسعه اجتماعی، تمرکز و رقابت پذیری بانکی بر ثبات بانکی انجام گرفته است. جهت تجزیه و تحلیل داده ها، از اطلاعات کلان اقتصادی ۶۰ کشور منتخب در حال توسعه با درآمد متوسط و کم در دوره ای ۱۳ ساله از ۲۰۱۰ لغایت ۲۰۲۲ به روش داده های تابلویی استفاده شده است. نتایج نشان داد که توسعه اجتماعی منجر به تقویت ثبات بانکی در کشورهای مورد بررسی شده است. همچنین مشاهده شد رقابت پذیری بانکی، اثرات مثبت و معناداری بر ثبات بخش بانکی داشته است. در نهایت نیز مشاهده شد که تمرکز بانکی نیز منجر به بهبود ثبات بخش بانکی در کشورهای مورد بررسی طی دوره زمانی مد نظر تحقیق شده است. بر همین اساس نتیجه گیری می شود که در بررسی عوامل موثر بر ثبات بخش بانکی، سه عامل توسعه اجتماعی، رقابت پذیری بانکی و تمرکز بانکی نباید نادیده گرفته شود تا بتواند تحلیل جامع تری از عوامل موثر بر ثبات بخش بانکی ارائه داد.

واژگان کلیدی: توسعه اجتماعی، تمرکز بانکی، رقابت پذیری بانکی، ثبات بانکی.

۱- مقدمه:

توسعه اقتصادی موضوعی است که همواره مورد توجه سیاست گذاران و محققان قرار داشته و تلاش هایی نیز جهت دستیابی کشورهای با درآمد پایین به سطوح بالاتر توسعه اقتصادی صورت گرفته ولی متأسفانه هنوز تعداد این کشورها بالا می باشد که

^۱ دانشجوی دکتری رشته اقتصاد، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

^۲ دانشیار اقتصاد، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران، (نویسنده مسئول)

(E mail:h.sharifi@khuissf.ac.ir)

^۳ استادیار اقتصاد، دانشگاه المثنی، السماوه، عراق

^۴ استادیار اقتصاد، واحد خمینی شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، خمینی شهر، ایران

می‌تواند تا حدودی بیانگر عدم موفقیت کشورها در پیاده سازی سیاست‌های توسعه‌ای باشد (وانگ و همکاران، ۲۰۲۱). خود مقوله توسعه دارای ابعاد مختلفی از اعم از توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی، توسعه سیاسی و ... می‌باشد که رسیدن به توسعه در هر کدام از ابعاد یاد شده، می‌تواند پیامدهای مثبتی در توسعه کلی کشورها داشته باشد. یکی از ابعاد توسعه که در مقاله حاضر مورد توجه قرار گرفته، توسعه اجتماعی می‌باشد که در صورت تحقق آن، می‌تواند پیامدهای کلان اقتصادی داشته باشد. از جمله این پیامدها می‌توان به اثر گذاری بر ثبات بخش بانکی اشاره داشت.

دلیل توجه به بخش بانکی و ثبات آن، این موضوع می‌باشد که صنعت بانکداری یکی از مهم ترین بخش‌های اقتصادی است و بانک‌ها را می‌توان از جمله مهم ترین نهادهای بازارهای مالی هر کشور به شمار آورد. بانک‌ها با ایفای نقش واسطه گری میان قرض دهندگان و وام گیرندگان، و فراهم کردن منابع مالی برای سایر صنایع، امر تولید را تسهیل می‌نمایند. اهمیت سیستم بانکداری زمانی مشخص می‌شود که نبود ثبات مالی در آن می‌تواند به یک بی‌ثباتی و بحران اقتصادی در سطح کشور یا حتی جهان تبدیل شود. یک سیستم بانکداری با ثبات و کارآمد به کاهش مشکل اطلاعات نامتقارن از طریق تولید اطلاعات و نظارت بر سرمایه گذاری‌ها، توزیع ریسک، تجهیز و تخصیص منابع سرمایه‌ای و تسهیل مبادلات کمک می‌کند. در مقابل، یک سیستم بانکداری بی‌ثبات و ناکارآمد علاوه بر آنکه نمی‌تواند وظایف فوق را به درستی انجام دهد، با ورود یک بحران مالی، تبعات بسیار نامطلوبی بر ثبات اقتصادی بر جای خواهد گذاشت. صندوق بین‌المللی پول هزینه‌های بحران مالی اخیر جهان را در حدود 9/11 تریلیون دلار برآورد کرد. هرچند ثبات بخش بانک به خودی خود یک موضوع اقتصادی محسوب می‌شود، اما در صورت وقوع یک بحران مالی هزینه‌های اجتماعی و سیاسی آن می‌تواند به مراتب بیشتر از هزینه‌های اقتصادی آن باشد (جیونی، ۲۰۲۴).

علاوه بر توسعه اجتماعی، دو عامل رقابت پذیری و تمرکز بخش بانکی نیز می‌تواند با ثبات بخش بانکی در ارتباط باشد. رقابت در صنعت بانکداری تأثیر به سزایی در کیفیت خدمات بانکی، رفتارهای مخاطره آمیز و سطح ریسک‌پذیری سیستم بانکی دارد. ادبیات و تحقیقات مربوط به تجزیه و تحلیل مزیت رقابتی و تمرکز بانکی بیانگر دشواری سنجش رقابت پذیری و توانایی بانک‌های تجاری در دستیابی به مزیت‌های رقابتی هستند و اینکه قدرت بانک‌های تجاری در محقق ساختن مزایای رقابتی چیست و بهترین روش‌ها و شاخص‌های سنجش تمرکز بانکی چیست این مشکل خود بیانگر مشکل عمیق‌تری می‌باشد و آن مشکلی است که بانک‌های تجاری در این زمینه در تعیین وضعیت فعلی و آینده خود با توجه به حرکت سریع سرمایه و آزادسازی حساب سرمایه با آن مواجه هستند (لیو و همکاران، ۲۰۲۳).

تمرکز یکی دیگر از جنبه‌ها و ابعاد مهم ساختار بازار و شاید مهمترین متغیر ساختاری است. تمرکز بازار وضعیتی است که در آن صنعت یا بازار به وسیله تعداد کمی از فعالان پیشرو یا بزرگ که در آن صنعت فعال هستند کنترل می‌شود. تحلیل تمرکز بازار زمینه مناسب برای درک بهتر ارتباط عناصر ساختاری و عملکردی بازار را فراهم می‌آورد و با بررسی بازارها از این دیدگاه می‌توان علل بروز رفتارهای رقابتی و غیر رقابتی را تشخیص داد. علت وجود قدرت بازاری نزد یک یا چند بنگاه برتر را در بسیاری موارد با مطالعه تمرکز بازار و نکات حساس مرتبط با آن می‌توان دریافت (میرا و رپلو، ۲۰۲۰). همراه با اوج گیری رفتارهای غیر رقابتی در کشورهای پیشرفته صنعتی و بویژه در ایالات متحده و کنترل بازارها بوسیله تعداد محدودی از بنگاه‌ها و اعمال قدرت انحصاری از طرف آن‌ها، ضرورت اندازه گیری قدرت بازاری اعمال شده در چنین بازارهایی بیشتر حس گردید و لذا اقتصاددانان در صدد برآمدن تا آن را اندازه گیری نمایند. یکی از روش‌های عملی برای اندازه گیری قدرت بازاری بر مفهوم "تمرکز بازار" استوار است و اصطلاحاً به شاخص تمرکز معروف است (میروسلاو، ۲۰۲۲).

بر همین اساس این پژوهش با هدف بررسی نقش توسعه اجتماعی، تمرکز و رقابت پذیری بانکی بر ثبات بانکی کشورهای منتخب در حال توسعه، در صدد آن است که به این سوال پاسخ دهد که آیا توسعه اجتماعی، تمرکز و رقابت پذیری بانکی بر ثبات بانکی کشورهای منتخب در حال توسعه تأثیر گذار است؟ و اگر اثر گذار است این اثر به چه صورت است؟

ساختار مقاله حاضر در ادامه به این صورت می‌باشد که ابتدا مبانی نظری تأثیر توسعه اجتماعی، تمرکز و رقابت پذیری بانکی بر ثبات بانکی مطرح می‌گردد. سپس پیشینه داخلی و خارجی مرتبط با موضوع تحقیق به صورت خلاصه مرور می‌گردد. پس از آن به معرفی روش شناسی تحقیق و مدل و متغیرهای مورد استفاده در پژوهش حاضر پرداخته می‌شود. در ادامه به تجزیه و تحلیل داده‌ها و تخمین مدل تحقیق پرداخته شده و در بخش پایانی نیز به جمع بندی مطالب پرداخته خواهد شد.

۲- مبانی نظری

۲-۱. نقش توسعه اجتماعی در ثبات بانکی

پیش از بررسی نقش توسعه اجتماعی در ثبات بخش بانکی، نیاز است تا مفهوم توسعه اجتماعی و ثبات بخش بانکی معرفی شود و سپس مکانیسم‌های اثر گذاری ارتباط بین متغیرهای یاد شده ارائه گردد. توسعه اجتماعی فرآیند ایجاد دگرگونی‌های اساسی به منظور یکپارچگی و انسجام اجتماعی، پاسخگو نمودن عوامل و سازمان‌های قوی است و این امر مستلزم داشتن اطلاعات کافی در مورد دستگاه فرهنگی نظام ارزشی و ساختارهای اجتماعی رسمی و حتی غیررسمی است. در واقع شاخص توسعه اجتماعی وضعیتی است که در آن سطح رفاه اجتماعی مطلوب است و نهادهای رسمی و غیر رسمی که وظیفه تنظیم روابط فردی و اجتماعی را بر عهده، کارآمد عمل می‌کنند (هدایی و همکاران، ۱۴۰۳). در تعریف دیگر، آمودرو (۲۰۱۹) توسعه اجتماعی را به صورت تدارک خدمات اجتماعی مورد نیاز شهروندان و بهبود کیفیت زندگی مردمان از راه تأمین آموزش، کار، بهداشت، مسکن، رفاه اجتماعی، اصلاحات ارضی، توسعه محلی، ایمنی در برابر آسیب‌های طبیعی و توجه به بخشهای گوناگون جامعه از جمله زنان و کودکان و ... تعریف نموده است.

ثبات بخش بانکی به عنوان توانایی یک سیستم بانکی جهت تخصیص بهینه منابع، مدیریت ریسک و محافظت از خود سیستم بانکی در مقابل شوک‌های درون‌زا و برون‌زا تعریف می‌شود. همچنین مفهوم ثبات بخش بانکی، نه تنها به نبود بحران اشاره ندارد، بلکه باعث حذف و جلوگیری از ایجاد عدم تعادل می‌شود (گوپلرمو و همکاران، ۲۰۱۸).

به لحاظ نظری، شومپتر (۱۹۱۲) برای اولین بار نقش توسعه بخش بانکی را در توسعه اقتصادی مورد توجه قرار داد. وی استدلال کرد که بی‌ثباتی در سطح کلان اقتصادی و به طور خاص بخش بانکی، می‌تواند بر توسعه اقتصادی کل کشور اثر داشته باشد. در ادامه مطالعات دیگری همانند استیگلیتز (۱۹۹۴)، کرک پاتریک و گرین (۲۰۰۲) این ایده را مطرح کرده اند که توسعه بخش مالی و بانکی می‌تواند از طریق تقویت بهره‌وری، زمینه را برای توسعه اجتماعی فراهم سازد. پس از آن‌ها، لوین (۲۰۰۵) و استالینگز (۲۰۰۶) نشان داد که مؤسسات مالی می‌توانند محدودیت‌های تأمین مالی خارجی را کاهش دهند و تخصیص اعتبار به فعالیت‌های مولد را تسهیل کنند که منجر به رشد و توسعه می‌شود (پترسون، ۲۰۲۴). در ادامه تحقیقات، کرک پاتریک و گرین (۲۰۰۲) بیان کردند که یک سیستم بانکی پایدار - سیستمی بدون بحران - از روند توسعه اجتماعی پشتیبانی می‌کند در حالی که یک سیستم بانکی بی‌ثبات مانع از روند توسعه اجتماعی می‌شود (برتو و لیندیر، ۲۰۲۲).

مطالعات تجربی انجام گرفته نشان می‌دهد مؤسسات مالی و به طور خاص بخش بانکی، می‌توانند اعتبار و سایر خدمات مالی متناسب، مانند وام‌های سبز و سرمایه‌گذاری سبز را برای تأمین مالی تحقق اهداف توسعه اجتماعی به عنوان راهی برای نشان دادن حمایت خود از تحقق اهداف توسعه اجتماعی و به عنوان مکانیزم متنوع سازی درآمد خواهند داشت. برعکس، زمانی که بخش بانکی ناپایدار باشد یا در زمان بحران‌های مالی، تجهیز منابع مالی برای توسعه اجتماعی، مشکل در پرداخت بودجه برای توسعه اجتماعی و مشکل در دسترسی به منابع مالی و ابزارهای مالی جدید برای تأمین مالی تحقق آن وجود خواهد داشت (اوزیلی، ۲۰۲۱؛ پترسون، ۲۰۲۴).

۲-۲. نقش رقابت بانکی در ثبات بانکی

رابطه بین رقابت بانکی و ثبات مالی موضوع مهمی بوده است که در ادبیات اقتصادی مورد بحث قرار گرفته است. جریان اصلی از فرضیه رقابت شکنندگی پشتیبانی می‌کند. بر اساس این فرضیه، رقابت بانکی باعث کاهش درآمد بهره‌ای بانک‌ها می‌شود و در نتیجه سودآوری بانک‌ها کاهش می‌یابد که منجر به افزایش احتمال نکول یا ورشکستگی و در نتیجه اختلال کلی در سیستم مالی می‌شود (آلن و گال، ۲۰۱۸). از سوی دیگر، طرفداران ثبات رقابت، بوید و دی نیکولو (۲۰۱۵)، بوید و همکاران (۲۰۱۶)، شاسک و همکاران (۲۰۱۸)، این ایده را مطرح کرده‌اند که بانک‌هایی با قدرت بازاری بیشتر تمایل دارند نرخ‌های بهره بالاتری را اعمال کنند، که انگیزه‌ای برای وام گیرندگان برای شرکت در فعالیت‌های مخاطره آمیز ایجاد می‌کند. بنابراین بر اساس این نظریه، رقابت باعث افزایش ثبات مالی می‌شود.

به طور کلی، اکثر مطالعات قبلی در کشورهای توسعه یافته انجام شده است که در آن سطح رقابت بسیار همگن و به طور کلی بالا است. این واقعیت می‌تواند غلبه فرضیه رقابت-شکنندگی را توضیح دهد. با این حال، در تحقیق حاضر این ایده مطرح است که هر دو فرضیه ممکن است با توجه به نوع بازارها سازگار باشند. بنابراین، در بازارهای کمتر رقابتی، افزایش رقابت ممکن است به نفع اثر تغییر ریسک باشد و به بهبود کارایی کمک کند، که ثبات مالی را بهبود می‌بخشد. در این بازارها رابطه بین رقابت و ثبات با فرضیه رقابت - ثبات توضیح داده می‌شود. برعکس، در بازارهایی با درجه رقابت بالا، افزایش بیشتر این سطح ممکن است بر حاشیه سود تأثیر بگذارد که اثر غربالگری ریسک را خنثی نکند (سالاس و سورینا، ۲۰۲۳).

از سوی دیگر، مقامات بانکی معمولاً صحت فرضیه ثبات تمرکز را فرض می‌کنند بر این اساس که بازار متمرکز معمولاً بازاری کم‌ریب است. بر اساس این فرض، پس از بحران مالی، فرآیندهای مهم ادغام بانک‌ها با انتظار بهبود سطح ثبات مالی انجام شد که حاکی از تمرکز بیشتر و در نتیجه رقابت کمتر است. با این حال، مشخص نیست که بانک‌ها سطح ریسک پایین‌تری را در بازارهای متمرکز متقبل می‌شوند یا اینکه بین تمرکز و رقابت رابطه معکوس وجود دارد. به این معنا، اگر تمرکز، افزایش رقابت و شکنندگی سیستم مالی را فرض کند، سیاست‌های انجام شده در بسیاری از کشورها می‌تواند بر خلاف انتظارات تأثیر بگذارد و سطح ریسک پذیرفته شده توسط بانک‌ها را افزایش دهد (جیمز و لویز، ۲۰۲۱).

بنابراین و به دلیل تأثیر مهمی که بر ثبات مالی دارد، رقابت بانکی در ادبیات بانکی از نگرانی بالایی برخوردار است (آلن و گال، ۲۰۱۸؛ بک و همکاران، ۲۰۰۶؛ بوید و دی نیکولو، ۲۰۱۶؛ تاباک و همکاران، ۲۰۲۲). در این رابطه، پیش‌بینی‌های متناقضی در مورد رابطه بین رقابت بانکی و ثبات مالی در مطالعات تئوری و تجربی دارد. حامیان دیدگاه ثبات تمرکز استدلال می‌کنند که بانک‌های متمرکز سود بیشتری کسب می‌کنند، در نتیجه رقابت کمتر، از ریسک بیش از حد جلوگیری می‌کند (جیمز و همکاران، ۲۰۲۲).

این دیدگاه توسط آلن و گال (۲۰۱۸) پشتیبانی می‌شود، که استدلال می‌کنند که بانک‌ها در بازارهای رقابتی به دلیل این واقعیت که یک شوک نامطلوب می‌تواند یک واکنش زنجیره‌ای ایجاد کند، در معرض خطر بیشتری نسبت به بازارهای متمرکز خواهند بود. از آنجایی که بانک‌ها در رقابت کامل به لحاظ قیمت‌گذاری هستند و در نتیجه در مقایسه با کل صنعت کوچک هستند، هیچ بانکی انگیزه‌ای برای تامین نقدینگی به بانک مشکل‌دار نخواهد داشت و در نتیجه باعث گسترش این بیماری می‌شود. دیدگاه دیگری از این جریان پشتیبانی می‌کند. تاباک و همکاران (۲۰۲۲) استدلال می‌کنند که بازار رقابتی یکی از دلایل اصلی مشکل انتخاب نامطلوب است. وجود بسیاری از بانک‌ها احتمال وام گیرندگان بد را افزایش می‌دهد و در نتیجه احتمال ورشکستگی بانک‌ها را افزایش می‌دهد.

در مورد رابطه رقابت بانکی و ثبات بانکی، دو دیدگاه کلی مطرح است:

فرضیه ارزش منشور (CVH) که طبق آن، با افزایش ارزش فعلی سودهای آتی، بانک‌ها ضرر بیشتری از ورشکستگی دارند و در نتیجه تمایل بیشتری به عمل محتاطانه پیدا می‌کنند. در مقابل فرضیه بوید و دی نیکولو (BDN)، رابطه مثبت را پیش‌بینی می‌کند، که نشان می‌دهد چنین مبادله‌ای وجود ندارد.

برخلاف مدل CVH، مدل BDN امکان رقابت در هر دو بازار سپرده و وام را فراهم می‌کند و فرض می‌کند که بانک‌ها مشکل قرارداد بهینه را با وام‌گیرندگان خود حل می‌کنند. آزمایش‌های تجربی انجام‌شده بر روی ۲۵۰۰ داده مقطعی بانک‌های ایالات متحده و مجموعه وسیعی از داده‌های پانل جمع‌آوری‌شده از کشورهای غیرصنعتی نشان می‌دهد که رقابت بیشتر با احتمال کمتر در شکست بانکی مرتبط است. به عبارت دیگر، بین رقابت و ثبات بانک رابطه مثبت وجود دارد. علاوه بر این، این آزمون ارتباط مثبتی را بین رقابت بانکی و تمایل به وام نشان می‌دهد. با کاهش رقابت، بانک‌ها درآمد بیشتری در بازارهای وام خود از طریق اعمال نرخ‌های وام بالاتر کسب می‌کنند. این به معنای خطر ورشکستگی بالا برای وام‌گیرندگان به دلیل یک مشکل مخاطره اخلاقی است، به عنوان مثال، وام‌گیرندگانی که با هزینه‌های بهره بالا مواجه هستند، پروژه‌های با ریسک بالاتر/بازده بالاتر را انتخاب می‌کنند. در نتیجه، مدل CVH رد می‌شود در حالی که نتایج هنوز با پیش‌بینی‌های مدل BDN سازگار است. این شواهد با نتایج سایر مطالعات مطابقت دارد (شاسک و همکاران، ۲۰۱۸).

نتایج مشابهی توسط آنکینر و همکاران (۲۰۲۴) به دست آمد که تأثیر رقابت بانکی را بر ثبات سیستمی، با استفاده از نمونه‌ای از ۱۸۷۲ بانک در ۶۳ کشور از سال ۱۹۹۷ تا ۲۰۲۲ تجزیه و تحلیل کردند. شواهد آنها از دیدگاه ثبات رقابت پشتیبانی می‌کند. آنها استدلال می‌کنند که رقابت باعث می‌شود بانک‌ها ریسک‌های متنوع تری را متحمل شوند و بنابراین سیستم بانکی در برابر شوک‌ها مقاوم تر خواهد بود. علاوه بر این، آنها استدلال می‌کنند که سیستم بانکی در کشورهایی با نظارت ضعیف و نظارت خصوصی، با بیمه سپرده‌ها و مالکیت بیشتر دولت بر بانک‌ها، و با سیاست‌های عمومی که رقابت را محدود می‌کند، شکننده تر است. علاوه بر این، آنها معتقدند که فقدان رقابت بر ثبات در کشورهایی با سطوح پایین مالکیت خارجی، حمایت ضعیف از سرمایه‌گذاران، شبکه‌های ایمنی، و جایی که مقامات راهنمایی محدودی برای تنوع دارایی‌های بانک ارائه می‌کنند، تأثیر منفی خواهد داشت.

در این زمینه، مارتینز-میرا و رپولو (۲۰۲۰) از پیشنهاد بوید و دی نیکولو (۲۰۱۵) حمایت می‌کنند که رقابت بانکی احتمال نکول وام را به دلیل کاهش نرخ وام کاهش می‌دهد، که به عنوان اثر تغییر ریسک شناخته می‌شود. با این حال، آنها برای اثر نهایی بحث می‌کنند که در آن افزایش رقابت ممکن است پرداخت‌های بهره از وام‌های جاری را نیز کاهش دهد، که به عنوان یک محافظ برای پوشش زیان وام عمل می‌کند. برخلاف مدل‌های فوق، این مطالعه یک رابطه U شکل بین رقابت و ریسک شکست بانک‌ها را پیشنهاد می‌کند، جایی که ریسک ابتدا قبل از شروع افزایش در یک بازار بسیار رقابتی کاهش می‌یابد. در برخی مواقع، رقابت بیشتر منجر به کاهش نرخ وام و کاهش درآمد بهره بانک‌ها از وام‌های بدون بدهی می‌شود که به عنوان محافظی برای ضرر وام استفاده می‌شود. این رابطه U شکل معکوس بین رقابت بانک‌های منطقه‌ای و ثبات توسط ماتسوما یا (۲۰۱۷) پیدا شده است. این مطالعه تأثیر مشترک رقابت و شرایط اقتصادی منطقه‌ای را بر ریسک و ثبات بانک‌های اروپایی از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ بررسی می‌کند. آنها با تجزیه و تحلیل رابطه بین شرایط اقتصادی منطقه‌ای، رقابت و تأثیر متعاقب آن بر ریسک بانکی در بانکداری اروپا، شیوع یک رابطه U شکل بین رقابت منطقه‌ای و بانک‌ها را تأیید می‌کنند. به ویژه، اثرات تغییر ریسک در بازارهای متمرکز به نظر می‌رسد در حالی که اثرات حاشیه در بازارهای بانکی رقابتی رایج است، همانطور که مارتینز-میرا و رپولو (۲۰۲۰) پیشنهاد کردند.

تاباک و همکاران (۲۰۲۲) اثرات رقابت بانکی را بر رفتار ریسک‌پذیری در ۱۰ کشور آمریکای لاتین بین سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۸ بررسی کرد، به ویژه بررسی کردند که چگونه اندازه و سرمایه رابطه بین رقابت و ثبات را تغییر می‌دهد. این مطالعه از روش شاخص بون (بون، ۲۰۰۸) برای اندازه‌گیری رقابت با ارزیابی تأثیر کارایی بر عملکرد استفاده می‌کند. آنها شواهدی را در مورد اینکه چگونه رقابت بر رفتار ریسک‌پذیری بانک‌ها به صورت غیرخطی تأثیر می‌گذارد و اینکه چگونه سطوح رقابت بالا و پایین

نقش توسعه اجتماعی، تمرکز و رقابت پذیری بانکی بر ثبات بانکی در کشورهای منتخب در حال توسعه با درآمد متوسط و کم / ۱۳

ثبات مالی را افزایش می‌دهد و برای رقابت متوسط تأثیر معکوس دارد، پیدا کردند. نویسندگان پیشنهاد می‌کنند که غیرخطی بودن اثر از هر دو نظریه تمرکز-ثبات (دیدگاه‌های ضد رقابت) و شکنندگی تمرکز (دیدگاه‌های رقابتی) پشتیبانی می‌کند. آنها طرفدار این هستند که بانک‌هایی که هم با رقابت بالا و هم رقابت کم مواجه هستند، به طور متوسط ریسک پذیرتر از بانک‌هایی هستند که رقابت متوسطی را تجربه می‌کنند.

۲-۳. نقش تمرکز بانکی بر ثبات بانکی

ساختار هر بازار را میتوان با توجه به درجه تمایز کالا، موانع ورود به بازار و صرفه‌های مقیاس شناسایی نمود. متأسفانه در بسیاری از موارد اندازه‌گیری موانع ورود و صرفه‌های مقیاس غیر ممکن است، بنابراین، پژوهشگران برای شناخت بازارها از شاخص‌های تمرکز استفاده می‌کنند. در شبکه بانکی نیز بالابودن درجه تمرکز می‌تواند نشاندهنده عدم رقابت و ناکارایی شبکه باشد (مسعودیان و همکاران، ۱۴۰۱).

موضوع مهمی که توجه پژوهشگران را به خود جلب نموده این است که آیا تمرکز این بخش مالی می‌تواند بر ثبات بانکی تأثیر داشته باشد و اینکه این تأثیرات چگونه به سایر بخش‌های اقتصاد انتقال می‌یابد. باوجود اهمیت این موضوع، پژوهش‌های اندکی درخصوص ارتباط میان تمرکز در بانکداری و ثبات بانک‌ها انجام شده است. تمرکز در بخش بانکداری می‌تواند از طریق روش‌های مختلفی بر اثربخشی کانال وامدهی بانک‌ها به‌عنوان سازوکار انتقال سیاست‌های پولی، بر ثبات بخش بانکی تأثیرگذار باشد (فرانکلین و داگلاس، ۲۰۲۴).

تمرکز، سهم بازار بانک‌های بزرگ را افزایش می‌دهد. وامدهی بانک‌های بزرگ نسبت به مؤسسات وامدهی کوچک، به میزان کمتری نسبت به تکانه‌های سیاست پولی حساسیت نشان می‌دهند. بنابراین، تمرکز می‌تواند کانال وام دهی بانک‌ها در انتقال سیاست‌های پولی و قدرت سیاست پولی را تضعیف کند. همچنین در صورتیکه افزایش تمرکز، باعث کاهش رقابت در بازار بین بانکی گردد، بعضی از بانک‌ها ممکن است از توان بیشتر بازاری خود و اطلاعات بیشتر خود از وضعیت نقدینگی بهره برداری نمایند، که این موضوع باعث بالا رفتن هزینه‌های نقدینگی برای سایر بانک‌های موجود در بازار می‌شود. هزینه‌های بالاتر نقدینگی، باعث می‌شود بانک‌ها نتوانند به راحتی از خود در برابر تکانه‌های پولی منفی محافظت کنند. همچنین، افزایش تمرکز می‌تواند برای بانک‌های بزرگتر به انحصار اطلاعاتی در خصوصی شایستگی مشتریان در دریافت وام و همچنین هزینه‌های بالاتر برای قرض گیرندگان منتج شود. بنابراین، برای شرکت‌هایی که تعویض وام دهندگانشان پرهزینه است، تقاضای اضافی که توسط بانک‌های کوچک‌تر قابل پاسخگویی نیست (بانک‌هایی که نسبت به سیاست پولی انقباضی بهشدت تحت تأثیر قرار گرفته‌اند) نمی‌تواند توسط بانک‌های بزرگ (بانک‌هایی که بهتر می‌توانند عرضه وام خود را در مقابل تکانه‌ها حفظ کنند) مرتفع گردد. این موضوع می‌تواند تأثیرات کاهش در عرضه اعتبار بر فعالیت اقتصادی را تقویت نماید و کانال وامدهی بانک‌ها را در انتقال سیاست‌های پولی قدرتمندتر سازد که از این طریق ثبات بخش بانکی تحت تأثیر قرار می‌گیرد (آتانسوقلو و همکاران، ۲۰۲۲).

مدل‌های تئوریک در ارتباط با اثر تمرکز در شبکه بانکی بر ثبات مالی شبکه بانکی پیشبینی‌های متناقضی کردند به طوریکه به دو دسته کاملاً متفاوت تقسیم میشوند که در یک دسته فرض بر این است که افزایش رقابت و کاهش تمرکز در شبکه بانکی ثبات را افزایش میدهد و در دسته دیگر فرض بر این است که برعکس افزایش رقابت و کاهش تمرکز در شبکه بانکی ثبات را کاهش می‌دهد و منجر به شکنندگی شبکه بانکی می‌شود (آنینگر و همکاران، ۲۰۲۴). در این بخش به هر دو دسته از مطالعات پرداخته می‌شود.

• دیدگاه تمرکز - ثبات:

مطالعاتی که به حمایت از دیدگاه تمرکز - ثبات می‌پردازند متکی بر چهار یافته عمده مربوط به تمرکز بانکی هستند:

الف) توانایی قابل توجه در افزایش ذخایر سرمایه

ب) ارزش ساختار

ج) توانایی قابل توجه در جیره بندی اعتبار

د) نظارت و کنترل قابل توجه (جایاکومار و همکاران، ۲۰۱۷)

با توجه به اولین فرض بانک‌های بزرگ توانایی بیشتری در تحمل شوک‌های نقدینگی و بی‌ثباتی کلان اقتصادی دارند. برای اینکه با استفاده از مزایای ناشی از تمرکز بیشتر قادرند بهتر سود خود را افزایش دهند. بنابراین با تقویت ذخایر سرمایه، شکنندگی مالی کاهش می‌یابد. در واقع، طرفداران نظریه تمرکز - ثبات نشان دادند که بانک‌های بزرگتر در سیستم بانکداری متمرکز (انحصاری) سودهای خود را افزایش می‌دهند و بنابراین با تأمین سرمایه پشتیبان بالاتر که محافظ شوک‌های کلان اقتصادی خارجی و شوک‌های نقدینگی است، شکنندگی مالی کاهش می‌یابد (لوپس اتره و همکاران، ۲۰۲۴).

فرضیه ارزش ساختار به ارزش ناملموسی اشاره دارد که مربوط به شهرت قابل توجهی است که زمانی کسب می‌شود که یک بانک بزرگ تأسیس شود. فرض می‌شود که افزایش ارزش ساختار ناشی از افزایش قدرت بازاری، مدیریت بانک را از ریسک پذیری اضافی که ممکن است تهدیدی برای امتیازات آنها باشد، دلسرد کند. زیرا زمانی که ارزش یک مؤسسه بیشتر است، هزینه فرصت ورشکستگی بالاتر است به طوری که بانک‌ها را از پذیرش سرمایه‌گذاری‌هایی با ریسک بالا که سود آتی آنها را به خطر می‌اندازد، باز می‌دارد. اما همزمان برای افزایش کیفیت دارائی‌ها انگیزه ایجاد میکند. بنابراین در دنیایی که برای ماکزیمم سازی سودها همواره فشار رقابتی بیشتر می‌شود، انگیزه ریسک پذیری اضافی بانک‌ها افزایش می‌یابد و از این رو سیستم شکننده تر می‌شود (هلمن و همکاران، ۲۰۲۰).

سایر فرضیه‌ها در حمایت از دیدگاه تمرکز-ثبات شامل صرفه‌های ناشی از مقیاس می‌شود که مربوط به زمانی است که بانک‌های بزرگ پرتفوی سرمایه‌گذاری خود را متنوع سازند. مؤسسات بزرگ بهتر با فرایند جیره بندی اعتبار تطبیق می‌یابند. نخست به این علت که وام‌هایی که توسط این مؤسسات مدیریت می‌شوند حجم کمتری دارند اما کیفیت بالاتری دارند و آنها قادر خواهند بود به طور قابل توجهی بازده سرمایه‌گذاری‌های خود را افزایش دهند. دوم اینکه این بانک‌ها خط مشی فنی بزرگتری دارند و بنابراین به طور کلی در نظارت بر اعطای وام از مزیت رقابتی برخوردارند. علاوه بر این، به دسترسی دارند، به لحاظ این علت که این بانک‌ها معمولاً به فعالیت‌های برون مرزی جغرافیایی می‌توانند ریسک سرمایه‌گذاری‌های خود را متنوع سازند و بنابراین می‌توانند موقعیت و قوام مالی خود را بهبود بخشند (آپرگیس، ۲۰۲۳).

فرضیه نهایی که از دیدگاه تمرکز - ثبات حمایت می‌کند این است که کنترل یک سیستم مالی متمرکز که بانک‌های خیلی بزرگ اندکی دارد، ساده تر از سیستم مالی کمتر متمرکز با بانک‌های کوچک خیلی زیاد است. این بدین معنی است که از دیدگاه قانونی، نظارت بر این قبیل مؤسسات مالی اثربخشتر است و ریسک سرایت بهتر قابل کنترل است (آلن و گال، ۲۰۱۸).

• دیدگاه تمرکز- شکنندگی

دیدگاه تمرکز- شکنندگی عمدتاً بر چهار فرضیه متفاوت متکی است:

الف) تشدید مسئله مخاطرات اخلاقی

ب) افزایش نرخ‌های بهره

ج) ناکارآمدی تنوع ریسک

د) پیچیدگی فرآیندها و تشکیلات

نقش توسعه اجتماعی، تمرکز و رقابت پذیری بانکی بر ثبات بانکی در کشورهای منتخب در حال توسعه با درآمد متوسط و کم / ۱۵

فرضیه نخست نشان می‌دهد که در این بازارها مؤسسات از اثر خیلی مهم قلمداد شدن برای ورشکستگی رنج می‌برند. با توجه به این اثر، قانونگذاران تمایل دارند توسط شبکه امن حمایتی دولت، به بانک‌های بزرگ سوبسیدها و ضمانت‌های بزرگ‌تری اعطا نمایند، به طوری که مدیران سرمایه‌گذاری را به ریسک‌پذیری‌های بزرگ‌تر تشویق می‌کند. بنابراین مسئله مخاطرات اخلاقی را تشدید می‌کند (بک و همکاران، ۲۰۱۶).

دوم اینکه استدلال می‌شود که افزایش بهره وام‌ها از جانب بانک‌ها در بازاری با تمرکز بیشتر که در آن مؤسسات مالی به صورت انحصاری فعالیت می‌کنند، برای جبران بازپرداخت‌های مورد نیاز وام، شرکت‌ها را به افزایش ریسک‌های سرمایه‌گذاری خود تحریک کند. مدل‌های تئوریک بوید و نیکولو (۲۰۱۵) و (۲۰۱۵۶) پیشینی می‌کنند زمانی که نرخ‌های بهره بالاترند، احتمال اینکه وام‌ها درآمدزایی نداشته باشند، بالاتر است. بنابراین ریسک نکول وام‌ها در این زمینه، احتمال ورشکستگی‌های بانکی را افزایش می‌یابد. اگر وام‌ها در معرض افزایش نااطمینانی باشند، درجه پایتتر رقابت در بانکداری منجر به کاهش جیره‌بندی اعتبارات، وام‌های بزرگ‌تر و احتمال ورشکستگی بالاتر بانکی خواهد شد.

فرضیه سوم بیان می‌کند که بازارهای بیشتر متمرکز از درجه بزرگ‌تری از ناکامی در تنوع ریسک رنج می‌برند، به این دلیل که افزایش اندازه بانک‌ها پس از ادغام‌ها و مالکیت‌ها، به طور عمده منجر به کاهش کارایی اجرایی، کنترل داخلی کارای اندک و افزایش ریسک‌های عملیاتی ناشی از شکست‌های نظارتی شده است (آلن و انگرت، ۲۰۱۷).

در نهایت بحث پیچیدگی سازمانی در حمایت از دیدگاه تمرکز - شکندگی ارائه می‌شود. مخصوصاً اینکه اندازه یک بانک با شفافیت رابطه معکوس دارد. اندازه بزرگ‌تر به بانک این امکان را می‌دهد که با استفاده از ابزارهای مالی پیچیده، فعالیت‌ها و خطوط تجاری خود را میان بازارهای چندگانه جغرافیایی گسترش دهد. نظارت بر یک سازمان حقوقی پیچیده به علت ساختار آن، به مراتب سخت‌تر از یک بانک کوچک است (جیونی، ۲۰۲۴).

پس از ارائه مبانی نظری ارتباط بین توسعه اجتماعی، تمرکز بانکی و رقابت بانکی با ثبات بخش بانکی، در ادامه به مروری بر مطالعات صورت گرفته و مرتبط با موضوع تحقیق پرداخته می‌شود.

۳- پیشینه تحقیق

در بین مطالعات داخلی انجام گرفته و مرتبط با موضوع تحقیق، می‌توان به تحقیقات صورت گرفته هدایی و همکاران (۱۴۰۳)، توسط رفیعان اصفهانی و همکاران (۱۴۰۲)، پورعبادالهان کویج و همکاران (۱۴۰۱) و اسماعیلیان و سفید بخت (۱۴۰۰) اشاره داشت.

هدایی و همکاران (۱۴۰۳) نشان دادند رابطه مثبتی بین متغیر عمق مالی با شاخص توسعه اقتصادی وجود داشته است. دوره زمانی در این مطالعه ۱۳۷۰-۱۴۰۱ و رویکرد آستانه‌ای انتقال ملایم استفاده شده است. رفیعان اصفهانی و همکاران (۱۴۰۲) در مطالعه‌ای به بررسی اثر شاخص تمرکز بر سودآوری سیستم بانکی کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی پرداخته‌اند. هدف محوری این مقاله، ارزیابی تأثیر شاخص تمرکز بر سودآوری صنعت بانکداری به روش گشتاورهای تعمیم یافته سیستمی است. در این مقاله، وضعیت بازار متشکل پولی کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی که شامل ۵۲ کشور در بازه زمانی ۲۰۰۵-۲۰۱۹ می‌باشد، مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان دهنده تأثیر مثبت شاخص تمرکز بر بازده کل دارایی‌ها است؛ بدین معنا که افزایش تمرکز بازاری، باعث افزایش سودآوری شده است. پورعبادالهان کویج و همکاران (۱۴۰۱) در مطالعه‌ای رقابت بانکی را در قالب دو رویکرد اصلی ساختاری (با استفاده از شاخص تمرکز هرفیندال-هیرشمن) و غیرساختاری (با استفاده از آماره پانزار-راس) در نظر گرفته و با استفاده از شاخص‌های Z و NPL به عنوان معیار ارزیابی ریسک‌پذیری بانک‌ها نشان دادند شاخص تمرکز محاسبه شده بر اساس کل دارایی‌ها، کل تسهیلات اعطایی و کل سپرده‌های ۱۹ بانک مورد بررسی، یک روند تقریباً کاهشی داشته است که دال

بر حرکت هر چه بیشتر صنعت بانکداری ایران به سمت شرایط رقابتی می‌باشد. این در حالی است که آماره پانزار- راس برآورد شده دارای روند نوسانی طی دوره مورد بررسی ۱۳۸۸-۱۳۹۸ بوده و حاکی از وجود وضعیت رقابت انحصاری در صنعت بانکداری ایران بوده است. به علاوه، تأثیر سه شاخص تمرکز هرfindال- هیرشمن بر روی ریسک‌پذیری بانک‌ها همواره معنی‌دار نمی‌باشد، این در حالی است که یک رابطه غیرخطی U شکل بین آماره پانزار- راس و سطح ریسک‌پذیری بانک‌ها وجود دارد در نهایت، اسماعیلیان و سفید بخت (۱۴۰۰) نشان داده اند طی دوره زمانی ۱۳۹۰-۱۳۹۹ و روش رگرسیونی، a-score بانک با اخذ وام از موسسه مالی هیچگونه رابطه‌ای ندارد اما با تمرکز و پس انداز در موسسه مالی ارتباط مستقیم و معنادار دارد. سودآوری بانک با پس انداز در موسسه مالی رابطه مستقیم و معنادار و دارایی نقدی بانک به سپرده‌ها و تامین مالی کوتاه مدت به اخذ وام از موسسه مالی و تمرکز ارتباط معکوس و معنی دار و با پس انداز در موسسه مالی رابطه مستقیم و معنادار دارد.

در بین مطالعات خارجی نیز، می‌توان به تحقیقات صورت گرفته توسط پترسون (۲۰۲۴)، د. احمد حسین بتال، د. فیصل غازی (۲۰۲۲)، میرسلاو (۲۰۲۲) و القرشی، عبد الله علی أحمد (۲۰۲۰) اشاره داشت. پترسون (۲۰۲۴) فرض می‌کند که ثبات مالی برای توسعه پایدار بسیار مهم است. برای این منظور از یک شاخص منحصر به فرد ثبات مالی و شاخص توسعه اجتماعی پایدار استفاده می‌شود. همچنین داده‌های ۲۶ کشور از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۲ با استفاده از روش GMM تجزیه و تحلیل می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که ثبات مالی ارتباط معناداری با توسعه اجتماعی پایدار دارد. د. احمد حسین بتال، د. فیصل غازی (۲۰۲۲) در مطالعه‌ای با عنوان (استفاده از شاخص هروندال-هیرشمن برای اندازه‌گیری رقابت بین بانک‌های فعال در بخش بانکداری عراق برای دوره ۲۰۱۱-۲۰۱۹) با هدف سنجش رقابت در بخش بانکداری عراق با استفاده از شاخص هروندال-هیرشمن که شامل ۴۹ بانک عامل، ۶ بانک دولتی، ۳۰ بانک خصوصی داخلی و (۱۳) بانک خصوصی خارجی بر اساس داده‌های سالانه دوره (۲۰۱۱-۲۰۱۹) بود نشان دادند رقابت بین بانک‌های خصوصی معمولی زیاد است، در حالی که رقابت بین بانک‌های خصوصی اسلامی انحصاری و رقابت بین بانک‌های خارجی انحصاری است. این مطالعه با مجموعه‌ای از توصیه‌ها از جمله مهمترین آنها: افزایش رقابت در بخش بانکی عراق با ایجاد شرایط مناسب از جمله اجازه دادن به موسسات به پایان رسید. بانک‌ها و مؤسسات مالی خدمات خود را به منظور دستیابی به منابع تجاری گسترده تر توسعه می‌دهند. این منابع نظیر افزایش سودآوری خدمات، جذب مشتریان جدید، بهبود وفاداری مشتریان؛ ایجاد چارچوبی برای محصولات خدماتی جدید در آینده با گشایش بازارهای جدید و افزایش شهرت و وجهه بانک ارتباط دارد. رویکردهای توسعه ی بانکداری الکترونیک از راهبردهای تهاجمی و تدافعی بهره می‌جویند. برهان راهبردی توسعه بانکداری الکترونیک را می‌توان حفظ موقعیت و شهرت؛ ایجاد ارزش افزوده برای مشتریان و بانک؛ جذب مشتریان بیشتر، پاسخ به خواسته‌های فعلی مشتریان؛ رقابت؛ کارایی؛ توسعه ی بازار و بهبود وفاداری مشتریان دانست. میرسلاو (۲۰۲۲) به بررسی چگونگی تأثیر رقابت بانکی و سطح سرمایه بر رفتار ریسک مؤسسات بانکی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در سایه همه گیری COVID-۱۹ با روش داده‌های پانلی با رویکرد خود رگرسیون با وقفه‌های توزیعی پرداخته است. وی از داده‌های بیش از ۲۲۵ بانک در ۱۸ کشور در خاورمیانه و شمال آفریقا استفاده کرد تا با به کارگیری فناوری‌های داده، تفاوت بین بانک‌های اسلامی و سنتی آزمایش کند که آیا افزایش رقابت باعث می‌شود بانک‌ها نسبت‌های سرمایه بالاتری را حفظ کنند یا خیر؟ نتایج نشان داد که بانک‌ها تمایل دارند نسبت‌های سرمایه بالاتری را هنگام فعالیت در یک محیط رقابتی تر حفظ کنند. همچنین شواهدی ارائه کرد که نشان می‌دهد بانک‌ها در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا سطوح سرمایه خود را در پاسخ به ریسک‌های بالاتر افزایش می‌دهند و بالعکس. علاوه بر این، تمرکز بانکی (اندازه‌گیری شده با شاخص اسمو) و ریسک اعتباری تأثیر مثبت و معنی داری بر نسبت‌های سرمایه بانک‌های سرمایه‌گذاری دارند، در حالی که رقابت نقش محدودکننده‌ای در تعیین سطح سرمایه آنها ایفا می‌کند. در نهایت، نتایج بدست آمده توسط القرشی، عبد الله علی أحمد (۲۰۲۰) که رقابت و تمرکز ساختار بازار در بخش بانکداری یمن را مورد بررسی قرار داده

نقش توسعه اجتماعی، تمرکز و رقابت پذیری بانکی بر ثبات بانکی در کشورهای منتخب در حال توسعه با درآمد متوسط و کم / ۱۷

اند حاکی از کاهش میزان تمرکز بازار بانکی در یمن، هرچند اندک، در نتیجه گسترش ارائه خدمات بانکی و مالی از طریق افتتاح تعدادی از شعب بانک‌های عامل است که افزایش رقابت بین بانک‌های فعال در بخش بانکداری یمن را نشان می‌دهد. با بررسی مقالات و کارهای دیگر محققان مشاهده می‌شود که تا کنون مطالعات عمیقی در خصوص نقش توسعه اجتماعی، تمرکز و رقابت پذیری بانکی بر ثبات بانکی کشورهای منتخب در حال توسعه صورت نگرفته است که از این جنبه تحقیق حاضر نسبت به مطالعات گذشته دارای تمایز و نوآوری می‌باشد.

• روش تحقیق

به منظور بررسی نقش توسعه اجتماعی، تمرکز و رقابت پذیری بانکی بر ثبات بانکی، به پیروی از مطالعات صورت گرفته توسط جیونی (2024)، پترسون (2024) و آتانسوقلو و همکاران (2022)، از برآورد مدل رگرسیونی زیر استفاده می‌شود:

$$Z\text{-Score}_{it} = 1$$

که در آن:

$Z\text{-Score}$: متغیر وابسته شاخص ثبات بانکی می‌باشد که این شاخص یک معیار معکوس از ریسک کلی بانک و نشان دهنده سودآوری یا عدم اعسار بانک است. این معیار، سودآوری اهرم و نوسانات بازده را در یک شاخص واحد به شکل زیر ترکیب می‌کند:

$$Z\text{-Score}=2$$

که در آن نسبت سرمایه به مجموع دارایی‌ها یا نسبت سرمایه گذاری و ROA نرخ بازده دارایی‌ها و انحراف معیار بازده دارایی‌ها در طول دوره مورد مطالعه است. این شاخص با سودآوری و اهرم یا سطح سرمایه گذاری افزایش یافته و با نوسانات بازده یا درآمدهایی بی‌ثبات کاهش می‌یابد. بنابراین مقدار بیشتر این شاخص نشان دهنده خصوصیت ریسک کمتر برای بانک و ثبات بانکی بیشتر است.

توسعه اجتماعی (ISD): شاخص توسعه اجتماعی ۲۰۰ شاخص را گرد هم می‌آورد و آنها را در مجموعه‌ای قابل استفاده از معیارها ترکیب می‌کند تا نحوه عملکرد جوامع مختلف را در شش بعد توسعه اجتماعی دنبال کند:

- شمول اقلیت‌ها که سطوح تبعیض علیه گروه‌های آسیب پذیر را اندازه گیری می‌کند؛ مردم بومی، پناهندگان یا گروه‌های طبقه پایین تر (حق شیون، ۲۰۲۳).

- باشگاه‌ها و انجمن‌ها که به عنوان عضویت در انجمن‌های داوطلبانه محلی تعریف می‌شوند

- کنشگری مدنی، سنجش استفاده از رسانه و رفتار اعتراضی

- انسجام بین گروهی که تنش‌ها و تبعیض‌های قومی و فرقه‌ای را اندازه گیری می‌کند

- ایمنی و اعتماد بین فردی

- برابری جنسیتی، منعکس کننده تبعیض جنسیتی.

بر اساس مفهوم معرفی شد، در تحقیق حاضر از شاخص توسعه اجتماعی (ISD) که به صورت سالانه توسط پایگاه داده‌های توسعه انسانی سازمان ملل متحد (UNHDR) منتشر می‌شود، استفاده خواهد شد.

cmp: نشان دهنده معیار غیر ساختاری سنجش رقابت می‌باشد که توسط آماره پانزار - راس (H) اندازه گیری می‌شود. همچنین

به منظور بررسی وجود رابطه غیر خطی بین این متغیر و ریسک پذیری، از توان 2 آن نیز در مدل استفاده می‌شود.

Conc: بیانگر شاخص تمرکز به عنوان معیار ساختاری سنجش رقابت است که توسط شاخص هرفیندال - هیرشمن اندازه گیری

می‌شود. شاخص هرفیندال هیرشمن به صورت مربع سهم بازار بانک i ام تعریف و محاسبه می‌شود.

X: نشان دهنده بردار متغیرهای کنترل می‌باشد که شامل موارد زیر می‌باشد:

نرخ تورم (INF): به صورت نرخ رشد شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی CPI تعریف و محاسبه می‌شود. رشد اقتصادی (GDPGR): به صورت نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سرانه کشور تعریف و محاسبه می‌شود. داده‌های مربوط به متغیرهای کنترلی تحقیق، از پایگاه داده‌ای بانک جهانی WDI استخراج می‌شود. جزء خطا با میانگین صفر و واریانس می‌باشد.

مطالعه حاضر با استفاده از مدل داده‌های پانل دیتا برای دوره زمانی ۲۰۱۰-۲۰۲۲ بطور سالانه می‌باشد. نمونه آماری تحقیق ۶۰ کشور منتخب در حال توسعه با درآمد متوسط و کم شامل آنگولا، کنگو، اندونزی، مغولستان، سائوتومه و پرنسپ، عراق، الجزایر، ساحل عاج، جمهوری اسلامی ایران، مراکش، سنگال، ویتنام، بنگلادش، جیبوتی، کنیا، میانمار، جزایر سلیمان، کرانه باختری و غزه، بنین، مصر، کریباتی، نپال، سریلانکا، زیمبابوه، بوتان، السالوادور، جمهوری قرقیزستان، نیکاراگوئه، تانزانیا، آرژانتین، بولیوی، اسواتینی، لائوس، نیجریه، تاجیکستان، جامائیکا، کابو ورد، غنا، لبنان، پاکستان، تیمور لسته، باریادوس، کامبوج، هائیتی، لسوتو، پاپوآ گینه نو، تونس، بلیز، کامرون، هندوراس، موریتانی، فیلیپین، اوکراین، اردن، کومور، هند، میکرونزی فدرال، رزرو، ساموآ، ازبکستان و ترکیه می‌باشد. دلیل انتخاب این کشورها در حال توسعه بودن این کشورهاست که می‌تواند منجر به تضعیف سایر بخش‌های اقتصادی از جمله بخش بانکی و افزایش بی‌ثباتی بانکی در این کشورها گردد و در نتیجه ثبات این بخش دارای اهمیت بیشتری خواهد بود. در نهایت، محاسبه متغیرهای تحقیق با استفاده از نرم‌افزار Excel انجام شده است و در تحلیل آماری فرضیه‌ها از نرم‌افزار Eviews13 بهره گرفته است.

۴- نتایج تحقیق

۴-۱. بررسی مانایی متغیرها

پیش از برآورد مدل لازم است مانایی تمام متغیرهای مورد استفاده در تخمین‌ها مورد آزمون قرار گیرد. زیرا نامانایی متغیرها باعث بروز مشکل رگرسیون کاذب می‌شود. برای انجام آزمون مانایی در این تحقیق، از آزمون لوین لین چو بهره‌گیری شده است، که نتایج حاصل از این آزمون در جدول شماره (۱) آورده شده است.

جدول (۱) بررسی مانایی متغیرها

متغیرها	آماره t	احتمال	نتیجه
Zscore	- 07/6	0000/0	I(0)
Cmp	- 95/7	0000/0	I(0)
Conc	- 84/1	0325/0	I(0)
ISD	- 98/1	0235/0	I(0)
INF	- 16/2	0153/0	I(0)
GDP	- 85/1	0325/0	I(0)

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به این که سطح احتمال بدست آمده برای متغیرهای تحقیق بر اساس آزمون لوین لین چو، کمتر از سطح خطای 5 درصد می‌باشد، می‌توان نتیجه‌گیری نمود که متغیرهای تحقیق در سطح مانا هستند (I(0) می‌باشند) و نیاز به تفاضل‌گیری از متغیرها وجود ندارد.

۲-۴. آزمون همبستگی مقطعی

در مقاله حاضر جهت بررسی همبستگی مقطعی از آزمون CD تست پسران استفاده می‌شود. فرضیه صفر این آزمون نشان دهنده عدم وابستگی بین مقاطع است و فرضیه مقابل این آزمون به وجود وابستگی بین مقاطع اشاره دارد. نتایج حاصل از این آزمون در جدول (۲) ارائه شده است:

جدول (۲) آزمون وابستگی مقطعی پسران

متغیر	آماره آزمون	احتمال
Zscore	12/14	0000/0
Cmp	17/21	0000/0
Conc	31/16	0000/0
ISD	42/19	0000/0
INF	31/20	0000/0
GDP	52/18	0000/0

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به این که احتمال آماره آزمون CD تست پسران کمتر از سطح خطای 05/0 می‌باشد، فرضیه صفر مبنی بر نبود وابستگی رد و وابستگی بین مقاطع نتیجه گیری می‌شود.

۳-۴. آزمون ناهمگنی (عدم تجانس)

برای بررسی ناهمگنی یا عدم تجانس بین ۶۰ کشور منتخب، از آزمون دلتا استفاده می‌شود. در آزمون دلتا، فرضیه صفر یعنی یکسان بودن شیب تمام مقاطع مبنی بر همگنی اعضای نمونه و فرضیه مقابل، عدم یکسان بودن شیب تمام مقاطع می‌باشد. نتایج مربوط به آزمون همگنی در جدول (۳) ارائه شده است:

جدول (۳) آزمون تجانس همگنی (دلتا)

احتمال	آماره آزمون	متغیر
Zscore	19/18-	0000/0
Cmp	14/20-	0000/0
Conc	31/16-	0000/0
ISD	17/17-	0000/0
INF	25/19-	0000/0
GDP	41/14-	0000/0

منبع: یافته‌های تحقیق

یافته‌های جدول (۳) نشان می‌دهد که احتمال آزمون همبستگی دلتا کمتر از سطح خطای 05/0 می‌باشد، در نتیجه فرضیه تجانس بین اعضای پانل مبنی بر یکسان بودن شیب تمام مقاطع رد نشده است و تجانس (همگنی) بین اعضای نمونه نتیجه گیری می‌شود.

۴-۴. برآورد الگوی تحقیق

برای تخمین مدل، ابتدا آزمون اف لیمر جهت انتخاب یکی از روش‌های داده‌های پانلی یا داده‌های تلفیقی انجام شده است. سپس به منظور این که مشخص شود کدام روش (اثرات ثابت و یا اثرات تصادفی) برای برآورد مناسب‌تر می‌باشد (تشخیص ثابت یا تصادفی بودن تفاوت‌های واحدهای مقطعی) از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. نتایج مربوط به آزمون‌های F لیمر و هاسمن در جدول (۴) ارائه شده است:

جدول (۴) نتایج حاصل از آزمون اف لیمر و هاسمن

نوع آزمون	آماره آزمون	سطح معناداری	نتیجه
اف لیمر	85/1	0355/0	داده‌های پانلی
هاسمن	32/25	0000/0	اثرات ثابت

منبع: یافته‌های تحقیق

چنانچه جدول فوق نشان می‌دهد، مقدار معناداری آماره اف لیمر کوچک‌تر از سطح خطای 5 درصد است که برتری استفاده از روش داده‌های پانلی در برابر روش داده‌های تلفیقی را نشان می‌دهد. همچنین همان‌طور که جدول (4) نشان می‌دهد، مقدار معناداری آماره آزمون هاسمن کوچک‌تر از سطح خطای 5 درصد است که نشان‌دهنده مرجح بودن استفاده از روش داده‌های پانلی اثرات ثابت در مقابل اثرات تصادفی است.

بر اساس آزمون F لیمر و هاسمن، در این قسمت به برآورد الگوی پژوهش به روش داده‌های پانل دیتا با رویکرد اثرات ثابت پرداخته می‌شود.

جدول (۵) نتایج تخمین رگرسیون مدل تحقیق

متغیرها	ضریب	انحراف معیار	آماره t	احتمال
C	0.391859	0.069020	5.677442	0.0002
CMP	0.440820	0.133102	3.311899	0.0042
CONC	0.395789	0.177522	2.229522	0.0330
ISD	0.465285	0.229164	2.030356	0.0418
INF	0.761667-	0.231932	3.284012-	0.0054
GDP	0.148516	0.051189	2.901330	0.0285
R2 = 89/0 Adj-R2= 83/0				
D.W-stat = 02/2 Prob(F-statistic) = 0000/0				

منبع: یافته‌های تحقیق

شواهد حاصل از برآورد مدل نشان می‌دهد که ضریب تعیین مدل برابر با 89/0 می‌باشد که نشان می‌دهد 89 درصد تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می‌شود. همچنین از آن جاکه مقدار آماره دوربین واتسون در محدوده 5/1 تا 5/2 قرار دارد، مدل فاقد مشکل خودهمبستگی شدید مرتبه اول می‌باشد. در نهایت از آن جا که مقدار احتمال آماره F کمتر از سطح خطای 05/0 می‌باشد، کل مدل رگرسیونی برآورد شده به لحاظ آماری معنادار می‌باشد. دیگر یافته‌ها نشان می‌دهد که:

- در رابطه با متغیر رقابت بانکی مشاهده می‌شود که این متغیر با احتمال 99 درصد، اثرات مثبت و معناداری بر ثبات بخش بانکی خواهد داشت به طوری که اگر رقابت بانکی برای بانک‌های مورد بررسی در یک دوره افزایش یابد، ثبات بانکی به میزان 44/0 درصد بهبود خواهد پیدا کرد.
 - شاخص دیگری که در این مدل استفاده شده، تمرکز بانکی می‌باشد. این متغیر دارای اثرات مثبت به میزان 39/0 درصد بر شاخص ثبات بانکی می‌باشد که این اثر گذاری در سطح خطای 5 درصد معنادار می‌باشد.
 - علاوه بر موارد فوق مشاهده می‌شود که شاخص توسعه اجتماعی اثرگذاری مثبت و معناداری به میزان 46/0 درصد بر ثبات بخش بانکی در کشورهای مورد بررسی داشته است.
 - در پایان نیز مشاهده می‌شود که شاخص نرخ تورم اثرگذاری منفی و معنادار به میزان 76/0 درصد و رشد اقتصادی اثرگذاری مثبت و معنادار به میزان 14/0 درصد بر ثبات بخش بانکی در کشورهای مورد بررسی داشته است.
- در بخش پایانی این قسمت، به ارائه نتایج آزمون فروض کلاسیک حداقل مربعات برای مدل برآوردی تحقیق پرداخته می‌شود.

جدول (۶) نتایج آزمون فروض ناهمسانی واریانس، همخطی و نرمالیتی مدل تحقیق

آزمون	آماره	آماره آزمون	سطح معناداری	نتیجه
ناهمسانی واریانس	وایت	39/10	6235/0	همسانی واریانس
عدم خودهمبستگی	وولدریچ	39/3	3965/0	عدم خودهمبستگی
نرمال بودن	جارك برا	34/3	1838/0	نرمال بودن

منبع: یافته‌های تحقیق

برای بررسی فرض ناهمسانی واریانس در این پژوهش، از آزمون وایت استفاده شده است. نتایج آزمون ناهمسانی واریانس نشان می‌دهد که آماره احتمال محاسبه شده در آزمون وایت برای مدل پژوهش بیشتر از سطح خطای 05/0 می‌باشد. از این رو H_0 این آزمون مبنی بر همسان بودن واریانس‌ها رد نمی‌شود که نشان می‌دهد ناهمسانی واریانس وجود ندارد و روش تخمین مدل به صورت رگرسیون حداقل مربعات می‌باشد. همچنین در این پژوهش به منظور عدم بررسی عدم خودهمبستگی، از آزمون وولدریچ استفاده شده است. با توجه به این که آماره احتمال وولدریچ در مدل بیشتر از سطح معنی‌داری 5% است، در مدل پژوهش خودهمبستگی وجود ندارد. به منظور آزمون نرمال بودن جمله خطا از آزمون جارك-برا استفاده می‌شود. در آزمون نرمالیتی، فرض صفر بیان می‌کند که جمله خطا در مدل‌های رگرسیونی نرمال هستند. با توجه به این که آماره جارك برا برای جمله خطا در مدل‌های رگرسیونی بزرگ تر از 10/0 می‌باشد، فرض صفر مبنی بر نرمال بودن جمله خطای مدل پژوهش تأیید می‌گردد. در نهایت برای بررسی آزمون هم خطی از آزمون عامل تورم واریانس استفاده می‌شود. در آمار، عامل تورم واریانس، شدت هم-خطی چندگانه را در تحلیل رگرسیون کمترین مربعات معمولی ارزیابی می‌کند. در واقع یک شاخص معرفی می‌گردد که بیان می‌دارد چه مقدار از تغییرات مربوط به ضرایب برآورد شده بابت هم-خطی افزایش یافته است. شدت هم-خطی چندگانه را با بررسی بزرگی مقدار عامل تورم واریانس می‌توان تحلیل نمود:

جدول ۷ نتایج مقادیر VIF برای آزمون هم-خطی

متغیر	مدل دوم (f^2 به عنوان متغیر آستانه ای)
C	536/2
CMP	142/1
CONC	362/2
ISD	351/2
INF	408/1
GDP	362/2

منبع: یافته‌های تحقیق

همان‌طور که مشاهده می‌شود در مدل مقدار عامل تورم واریانس کمتر از 5 می‌باشد و لذا هم-خطی وجود ندارد.

۵- نتیجه گیری و ارائه پیشنهادات

در دو دهه اخیر طی تجربه‌های اقتصادی جهان این مطلب به اثبات می‌رسد که ثبات اقتصادی کشورها مدیون ثبات بخش بانکی آن هاست و به عنوان یکی از اهداف اصلی نظام اقتصادی مورد توجه بسیاری از سیاست‌گذاران و اندیشمندان واقع شده است. یک سیستم مالی ناکارآمد با ورود یک بحران مالی، تبعات بسیار نامطلوبی بر ثبات اقتصادی بر جای خواهد گذاشت. از این گذر ایجاد بحران در سیستم بانکداری به دلیل وابستگی شدید سایر بخش‌ها به آن برای تجهیز منابع سرمایه‌ای، به سرعت قابل تسری به بخش‌های واقعی اقتصاد خواهد بود. بی‌ثباتی در صنعت بانکداری می‌تواند از طریق اختلال بازار وام دهی و مکانیسم پرداخت و همچنین کاهش دسترسی به اعتبار و رسوب سپرده‌ها به سایر بخش‌های اقتصادی انتقال یابد. لذا ثبات سیستم بانکداری بعنوان هسته

اصلی حوزه پولی - مالی نیاز به توجه ویژه دارد و ضرورت شناسایی عوامل تاثیر گذار بر ثبات بانک‌ها احساس می‌شود که از این موارد، توسعه اجتماعی، تمرکز بانکی و رقابت بانکی است.

یافته‌های تحقیق حاضر نیز نشان داد که اولاً، رقابت بانکی اثرات مثبت بر ثبات بخش بانکی در کشورهای مورد بررسی داشته است. این نتیجه گیری منطبق با فرضیه رقابت-ثبات یا تمرکز-شکندگی می‌باشد که تقویت رقابت را موجب تقویت ثبات می‌داند؛ به عبارت دیگر بی‌ثباتی مالی در صورت کاهش درجه رقابت، افزایش خواهد یافت. بنابراین ادغام‌های بانکی ممکن است حوزه بی‌ثباتی را افزایش دهد و رقابت در بخش بانکداری نیازمند توجه ویژه است. بنابراین رقابت بانکی احتمال نکول وام را به دلیل کاهش نرخ وام کاهش می‌دهد، که به عنوان اثر تغییر ریسک شناخته می‌شود. با این حال، آنها برای اثر نهایی بحث می‌کنند که در آن افزایش رقابت ممکن است پرداخت‌های بهره از وام‌های جاری را نیز کاهش دهد، که به عنوان یک محافظ برای پوشش زیان وام عمل می‌کند. این نتیجه گیری با یافته‌های بدست آمده توسط یافته‌های بدست آمده توسط القرشی و همکاران (۲۰۱۳)، د. احمد حسین بتال و د. فیصل غازی (۲۰۱۸) و جیونی (۲۰۲۴) مطابقت دارد.

ثانیاً، تمرکز بانکی منجر بهبود ثبات در بخش بانکی کشورهای مورد بررسی شده است. بنابراین می‌توان بیان نمود که تمرکز یکی از جنبه‌ها و ابعاد مهم ساختار بازار و شاید مهمترین متغیر ساختاری است. تمرکز بازار وضعیتی است که در آن صنعت یا بازار به وسیله تعداد کمی از فعالان پیشرو یا بزرگ که در آن صنعت فعال هستند کنترل می‌شود. تحلیل تمرکز بازار زمینه مناسب برای درک بهتر ارتباط عناصر ساختاری و عملکردی بازار را فراهم می‌آورد و با بررسی بازارها از این دیدگاه می‌توان علل بروز رفتارهای رقابتی و غیر رقابتی را تشخیص داد. این نتیجه گیری با یافته‌های بدست آمده توسط یافته‌های بدست آمده توسط القرشی و همکاران (۲۰۱۳) و آتانسوقلو و همکاران (۲۰۲۲) مطابقت دارد.

در نهایت نیز مشاهده شد که توسعه اجتماعی نیز اثر گذاری مثبت و معناداری بر ثبات بخش بانکی در کشورهای مورد بررسی داشته است. دلیل این اثر گذاری مثبت می‌تواند این گونه توضیح داده شود که یک سیستم بانکی با ثبات از طریق نقش خود به عنوان واسطه‌های مالی نقش مهمی در فرآیند توسعه ایفا می‌کنند. در این رابطه، بخش بانکی از طریق تخصیص اعتبار و تصمیمات سرمایه گذاری خود و تأمین مالی و سرمایه گذاری در فعالیت‌ها و پروژه‌های مرتبط با توسعه اجتماعی، حمایت خود را از اهداف توسعه اجتماعی نشان دهند. این نتیجه گیری با یافته‌های بدست آمده توسط یافته‌های بدست آمده توسط هدایی و همکاران (۱۴۰۳) و پترسون (۲۰۲۴) مطابقت دارد.

با توجه به نتایج تحقیق که نشان می‌دهد بین رقابت پذیری بانک‌ها و ثبات بانکی در کشورهای مورد بررسی رابطه مثبت و معنی داری وجود داشته است، پیشنهاد می‌گردد که سیاست گذاران در بخش پولی و بانکی کشورهای مورد بررسی، الزامات، مشوق‌ها و قوانینی را جهت تقویت رقابت پذیری بین بانک‌ها وضع نمایند تا از این طریق زمینه برای تقویت رقابت پذیری بانکی و متعاقب آن افزایش ثبات در بخش بانکی فراهم گردد. همچنین با توجه به نتایج تحقیق که نشان می‌دهد بین تمرکز بانکی و ثبات بانکی رابطه مثبت و معنی داری وجود داشته است، پیشنهاد می‌گردد یک شاخص واحد برای سنجش تمرکز بخش بانکی کشورها طراحی و به صورت مداوم مورد سنجش قرار گیرد و سعی شود تا از طریق رعایت سطح تمرکز متناسبی برای بانک‌های کشورهای مورد بررسی، زمینه برای تقویت ثبات بخش بانکی در این کشورها فراهم گردد. در نهایت پیشنهاد می‌گردد سیاست گذاران کلان در کشورهای مورد بررسی، از طریق تقویت ابعاد مختلف توسعه اجتماعی، زمینه برای تقویت ثبات بخش بانکی در کشورها را فراهم نموده و ثبات بخش بانکی را بهبود بخشند.

منابع و مآخذ:

- اسماعیلیان، فریبرز و سفیدبخت، الهه (۱۴۰۱) "بررسی چگونگی ارتباط بین ساختار بازار بانک، شمول مالی و ثبات مالی"، سومین کنفرانس بین المللی مدیریت، حسابداری، اقتصاد و بانکداری در هزاره سوم.
- پورعبدالهان کویج، محسن و فلاحی، فیروز و ابراهیمی، حسین (۱۴۰۱). رقابت بانکی و ریسک پذیری در صنعت بانکداری ایران، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، جلد ۲۹، شماره ۹۹، ص ص ۲۴۳-۲۷۶.
- د. احمد حسین بتال، د. فیصل غازی (۲۰۲۲)، استخدام مؤثر هیرفندال-هیرشمان لقیاس المنافسة بین البنوك العاملة فی القطاع المصرفي العراقي للفترة (۲۰۱۰-۲۰۱۱)، مجلة جامعة تكريت للعلوم الادارية والاقتصادية، المجلد ۴ العدد ۴۴.
- دراسة القرشي، عبد الله علی أحمد (2020)، المنافسة و تركيز هيكل السوق فی القطاع المصرفي اليمني، جامعة عدن، مجلة العلوم الادارية، المجلد ن ۴ العدد ۲، رقم البحث ۷۷۲۸۴۷.
- مسعودیان، مریم السادات، فلاح شمس، میرفیض و زمردیان، غلامرضا (۱۴۰۱). ارزیابی رقابت و ثبات مالی در نظام بانکی کشور با ارزیابی سرمایه و زیان در شرایط بحران، مطالعات و سیاست‌های اقتصادی، دوره ۹، شماره ۱.
- هدایی، سید نورالدین و دامن کشیده، مرجان و هادی نژاد، منیژه و نصاییان، شهریار (۱۴۰۳). تاثیرات آستانه‌ای اقتصاد سایه بر رابطه بین عمق مالی، سیاست‌های بانکی و نوسانات کلان اقتصاد با توسعه اجتماعی - اقتصادی، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال ۱۶، شماره ۲، بهار ۱۴۰۳، ص ص ۸۷-۱۰۹.
- Allen, F. and Gale, D., (2018). Competition and financial stability. *Journal of Money, Credit and Banking*, 453-480.
- Allen, Franklin, & Gale, Douglas. (2024). Competition and Financial Stability. *Journal of Money, Credit, and Banking*, 36, 453-480.
- Allen, J. and Engert, W. (2017). Efficiency and competition in Canadian banking. *Bank of Canada Review*, 2017(Summer), 33-45.
- Anginer, D., Demirguc-Kunt, A., and Zhu, M., (2024). How does competition affect bank systemic risk?. *Journal of Financial Intermediation*, 23(1), 1-26.
- Apergis, N. (2023). Competition in the banking sector: New evidence from a panel of emerging market economies and the financial crisis. *Emerging Markets Review*. Volume 25, 154-162.
- Athanasoglou, P. P., Brissimis, S. N & Delis, M. D. (2022). Bank-Specific, Industry-Specific and Macroeconomic Determinants of Bank Profitability. *Journal of International Financial Markets, Institutions and Money*, 18, (2), 121-36.
- Beck, T., Demirguc-Kunt, A., Levine, R., (2016). Bank concentration, competition, and crises: First results. *Journal of Banking and Finance* 30, 1581-1603.
- Bertheau, P., & Lindner, R. (2022). Financing sustainable development? The role of foreign aid in Southeast Asia's energy transition. *Sustainable Development*, 30(1), 96-109.
- Boone, J., (2008). A new way to measure competition. *Economic Journal* 118, 1245-1261.
- Boyd, J. H., De Nicolò, G., and Jalal, A. M., (2016). Bank risk-taking and competition revisited: New theory and new evidence. IMF working paper.
- Boyd, J.H. and De Nicolo, G., (2015). The theory of bank risk taking and competition revisited. *The Journal of Finance* 60(3), 1329-1343.
- Ehsanul Haque Shipon (2023). How Important Is Social Development for Economic Growth?, <https://www.researchgate.net/publication/372719766> July 2023.
- Guillermo, R.B.C. & Deyvi, A.A. (2018). The informal economy and its impact on tax revenues and economic growth. Analysis of OECD members and Latin America Countries (1995-2016). Retrieved from: <https://www.researchgate.net/publication/328343445> on March 20, 2019.
- Gonz'alez, Luis Otero, Razia, Alaa, B'ua, Milagros Vivel, Sestayo, Rub'en Lado (2024) Competition, concentration and risk taking in Banking sector of MENA countries. *Research in International Business and Finance*, <http://dx.doi.org/10.1016/j.ribaf.2024.07.004>
- Hellmann, T. F., Murdock K., and Stiglitz J., (2020). Liberalization, moral hazard in banking and prudential regulation: Are capital requirements enough?. *American Economic Review* 90, 147-165.
- Jamel JOUINI (2024), Effects of Concentration on Stability of the Banking Sector: Evidence from Selected Arab Countries, Arab Monetary Fund, Economic Department.

- Jimenez, G., and Lopez, J.A., (2021). How does competition impact bank risk-taking? Working paper. Federal Reserve Bank of San Francisco 2007-23.
- Jimenez, G., Lopez, J. and Saurina, J., (2022). How does competition impact bank risk-taking? Working paper, Banco de España 1005.
- Kirkpatrick, C., & Green, C. (2022). Finance and development: an overview of the issues. *Journal of International Development*, 14(2), 207.
- Levine, R. (2005). Finance and growth: theory and evidence. *Handbook of economic growth*, 1, 865-934.
- Liu, H., Molyneux, P., and Wilson, J. O. (2023). Competition and stability in European banking: a regional analysis. *The Manchester School*, 81(2), 176-201.
- Manju Jayakumar, Rudra P. Pradhan*, Saurav Dash, Rana P. Maradana, Kunal Gaurav (2017) " Banking competition, banking stability, and economic growth: Are feedback effects at work?", *Journal of Economics and Business*.
- Martinez-Miera, D., and Repullo, R., (2020). Does competition reduce the risk of bank failure?. *Review of Financial Studies* 23(10), 3638-3664.
- Mateev Miroslav, (2022). pandemic Competition, capital growth and risk-taking: Policy implications for banking sector stability during COVID-19, *PLOS ONE* | <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0253803> June 24, 2022.
- Matsuyama, K.,(2017). Credit traps and credit cycles. *American Economic Review* 97(1), 503516.
- Omodero, C.O. (2019). The financial and economic implications of underground economy: The Nigerian perspective. *Academic Journal of Interdisciplinary Studies*, 8(2): 155-155.
- Ozili, P. K. (2021). Circular economy, banks, and other financial institutions: what's in it for them? *Circular Economy and Sustainability*, 1(3), 787-798.
- Ozili, Peterson K (2024): Financial stability and sustainable development. Forthcoming in: *PRA_paper_118793.pdf*.
- Salas, V., and Saurina, J., (2023). Deregulation, market power and risk behaviour in Spanish banks. *European Economic Review* 47(6), 1061-1075.
- Schaeck, K., Cihak, M., and Wolfe, S., (2018). Are more competitive banking systems more stable? Working paper, IMF, 06/143.
- Schumpeter, J. (1912). *The Theory of Economic Development*. Harvard University Press, Cambridge, Mass
- Stallings, B. (2006). *Finance for development: Latin America in comparative perspective*. Brookings Institution Press.
- Stiglitz, J. E. (1994). Economic growth revisited. *Industrial and Corporate Change*, 3(1), 65-110.
- Tabak, B.M., Fazio, D.M., and Cajueiro, D.O., (2022). The relationship between banking market competition and risk-taking: Do size and capitalization matter? *Journal of Banking and Finance* 36(12), 3366-3381.
- UNHDR. (2010), *United Nations Human Development Report 1990*, New York, Oxford University press.2010.
- Wang, C., Ma, L., Zhang, Y., Chen, N., & Wang, W. (2021). Spatiotemporal dynamics of wetlands and their driving factors based on PLS-SEM: A case study in Wuhan. *Science of The Total Environment*, 151310
- Westley, G. D. (2001). Can financial market policies reduce income inequality (No. 41498), Washington, DC: Inter-American Development Bank.